

An Etymological Investigation into the Turfan Manichaean Parthian Word “Nw^ʾr”

Arman Bakhtyari¹

*Associate Professor in Iran Studies and Ancient Languages of Iran,
Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran*

Received: July 12, 2023

Accepted: March 3, 2024

Abstract

The Turfan Parthian word “nw^ʾr” appears in Manichaean Fragment M5815 Vi/29/. Andreas Henning (Durkin-Meisterernst, 2004) and Boyce (1975) have cited this word, but without any meaning or interpretation. Durkin-Meisterernst (2004) suggested that «poss. a misspelling of w^ʾwr «belief» which occurs in the same text a few later?» This paper aimed to find the root of this word and to interpret it with the help of other Persian words in modern Persian literature. To do this, the content of M5815 I from /22/ to /31/ and M5815 II, /1/ and /2/ were first transcribed and rendered into modern Persian. Then, the meaning of the word was clarified. Finally, it was shown that this word can be related to another Persian word “nivâridan” in both form and meaning.

Keywords: Nw^ʾr, Parthian Manichaean, Turfan Fragment, Etymology, Iranian Languages

1. Email: rabakhtyari@basu.ac.ir



Authors retain the copyright and full publishing rights. This is an open access article distributed under article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

بررسی ریشه‌شناختی و معنایی واژه پهلوی اشکانی تورفانی nw^r

آرمان بختیاری، دانشیار ایران‌شناسی و زبان‌های باستانی ایران،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران^۱

صص ۱۷۹-۱۹۱

چکیده

واژه پهلوی اشکانی nw^r در متن تورفانی M5815 IVi/29 آمده است. آندره آس - هنینگ آن را در MMiii,b آورده‌اند (Durkin-Meisterernst, 2004:246) این واژه را بويس در واژه‌نامه‌اش آورده است (Boyce, 1975:63). دورکین - مایسترارنست نیز آن را در واژه‌نامه‌اش آورده است (Durkin-Meisterernst, 2004:246) در هیچ‌یک از این موردها، معنی و آوانوشت درستی برای آن داده نشده است. این جستار بر آن است تا با نویسه‌گردانی، آوانوشت و ترجمه سطرهای مربوطه در متن پهلوانیگ M5815 و با یاری گرفتن از گونه‌های واژگانی‌ای که در زبان پارسی می‌توانند دنباله این واژه باشند، آوانوشت، ریشه‌شناسی و معنای آن را روشن سازد؛ چراکه بسیاری از واژه‌های پهلوی اشکانی در زبان پارسی کاربرد دارند و واژگانی نیز هستند که در پارسی میانه و پهلوی اشکانی یکسان به‌کاررفته‌اند؛ چراکه ریشه‌ای مشترک دارند. در پایان چنین نتیجه‌گیری شده است که واژه موردنظر را می‌توان از پیشوند $ni-$ و ریشه par دانست.

کلیدواژه‌ها: nw^r ، پهلوی اشکانی تورفانی، متن‌های مانوی، ریشه‌شناسی، زبان‌های ایرانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

1. rabakhtyari@basu.ac.ir

پست الکترونیکی:

مقدمه

دست‌نوشته‌های مانوی که نخستین بار به دست کاوشگران و تورفان‌پژوهان آلمانی به‌ویژه در ویرانه‌های تورفان و تویوق یافت شده‌اند که به چندین گونه خطی و هفده زبان گوناگون به نگارش درآمده‌اند. از جمله این زبان‌ها می‌توان به پهلوی اشکانی یا همان پهلوانیگ اشاره کرد که نخستین بار به دست ویلهم کارل مولر^۱ شناسایی شد (نک. [زوندرمان، ۱۳۸۱: ۱۷۹](#)). از آنجایی که پهلوی اشکانی زبان زنده‌ای نیست و در دوران باستانی زبان‌های ایرانی نیز، نوشته‌ای از آن بر جای نمانده و تنها به روزگار اشکانیان و ساسانیان باز می‌گردد که دوره میانه این زبان را در بر می‌گیرد، دست‌نوشته‌های تورفانی می‌توانند برای شناخت این زبان در دوره میانه زبان‌های ایرانی بسیار سودمند باشند. نوشته‌های پهلوی اشکانی تورفانی میان سده‌های سوم و چهارم به نگارش درآمده‌اند ([رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۱: ۲۳](#))؛ یعنی زمانی که این زبان، زبانی زنده بود. قطعه‌های پهلوی اشکانی تورفانی به خط مانوی نگارش یافته‌اند و هر یک به بخشی از ادبیات مانوی تعلق دارند ([تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۳۴](#))؛ بنابراین هم از دیدگاه تاریخ و فرهنگ ایران باستان و هم از دیدگاه زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی با ارزش شمرده می‌شوند.

پهلوی اشکانی تورفانی اگرچه از دید زبانی نیای هیچ‌یک از زبان‌های زنده امروزی ایرانی شمرده نمی‌شود، با این‌همه به دلیل نزدیکی بسیاری که با پارسی میانه دارد و پیوندهای نزدیک خویشاوندی که میان این دو زبان ایرانی و دیگر زبان‌های ایرانی در گستره تاریخ وجود داشته است می‌تواند در شناخت ریشه و معنای واژگان زبان پارسی به کار آید. از دیگر سو بررسی دست‌نوشته‌های پهلوی اشکانی تورفانی همان‌گونه که گفته شد جدای از این‌که می‌تواند روشنگر آموزه‌ها و باورهای دین مانوی باشد، از دیدگاه زبان‌شناختی نیز برای شناخت هر چه بهتر و بیشتر زبان پهلوی اشکانی نیز می‌تواند به کار آید.

اگرچه خود دست‌نوشته‌های تورفانی، هیچ‌یک در دسترس پژوهشگران ایرانی نیستند و ما تنها می‌توانیم به نگاره‌های بررسی شده آن‌ها که در پایگاه‌های اینترنتی آورده شده دسترسی پیدا کنیم، با این‌همه چون آن‌ها را باید از جمله میراث ادبی و فرهنگی ایران باستان شمرد پس در همین متن‌های بررسی شده و منتشر شده نیز می‌توان اندیشه کرد به جای آن‌که آنچه را گفته شده بی‌هیچ اندیشه‌ای بپذیریم و ناگفته‌هایش را نیز رها کنیم تا خود آن‌ها که این متن‌ها را در دست دارند روزی آن‌ها را برایمان روشن سازند.

نباید فراموش کنیم که پیش از آن‌که آلمانی‌ها و روس‌ها جایگاه مانویان آسیای میانه را شناسایی کنند، نویسنده

1. Wilhelm Karl Müller

کتاب حدود العالم من المشرق الى المغرب سده‌ها پیش از آن، درباره جایگاهشان سخن گفته بود: «خاجو شهری بزرگ است و جای بازرگانانست، سلطان وی از چین رود مردمانش دین مانی دارند.» ([حدود العالم من المشرق الى المغرب، ۱۳۶۲: ۶۲](#)).

دانشمندان ایرانی چون ابوریحان بیرونی و ابن مقفع و دیگر نویسندگان اسلامی چون ابن ندیم درباره آموزه‌های مانوی و حتی شیوه نگارش آثار آنان سخن رانده‌اند (از جمله نک: [ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۲۹](#)). بدین‌سان ضرورت پژوهش، هم از دیدگاه تاریخ و فرهنگ و باورهای ایران باستان و هم از دیدگاه زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی برایمان روشن خواهد شد. هنگام بررسی این دست‌نوشته‌ها با واژه‌های خوانده‌نشده، ریشه‌شناسی نشده، ناشناخته و مبهمی روبرو می‌شویم که در هیچ‌یک از نوشته‌های خاورشناسان و ایران‌شناسان چیزی درباره‌اش گفته نشده است یا کمتر بدان پرداخته شده است. پس باید خود چاره کار خویش کنیم و دیدگاه‌هایمان را در این باره بیان نماییم، شاید بتواند راهگشا باشد.

پیشینه پژوهش

همان‌گونه که گفته شده این واژه در متن M5815 آمده است بویس نویسه‌گردانی آن را با نام متن r در کتابش آورده است ([Boyce, 1975: 51](#)). خود وی این واژه را در فهرست واژگانی‌اش به گونه $nw^r \text{ } ^r \text{ } pth$ ([Boyce, 1977: 63](#)) آورده است. آندره آس - هنینگ در جلد سوم اثر خود، این واژه را به گونه nw^r آورده‌اند و با تردید "شنیدن" (to read) معنی کرده‌اند ([Durkin-Meisterernst, 2004: 246](#)). دورکین - مایستر ارنست در فرهنگ واژه‌های پارسی میانه - پهلوی اشکانی تورفانی خود چنین آورده است:

« $nw^r \text{ } pa \text{ } nawār?$ »

«اشتباه نگارشی برای واژه $w^r \text{ } wr$ که در همین متن و در چند سطر پایین‌تر آمده است»: ([Durkin-Meisterernst](#))

([2004: 246](#)).

روش پژوهش

در این پژوهش قطعه M5815 که به پهلوی اشکانی تورفانی است به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه آوانویسی مکزی، آوانویسی شده است. این دست‌نوشته از پایگاه اینترنتی پژوهش‌های تورفانی آکادمی علوم برلین برانندبورگ

برگرفته شده است.^۱ واژه موردنظر در پشت قطعه (v)، ستون نخست، سطر 29/ آمده است (IVi29) که برابر است با سطر 6/ در متن r بویس (Boyce, 1975: 53). بنابراین متن مربوطه از سطر 6/ متن r بویس تا چند سطر پایین‌تر نویسه‌گردانی، آوانویسی و ترجمه شده است.

آوانویسی و معنی واژه همان‌گونه که پیش‌تر آمده، مبهم است. بدین‌رو کوشش شده است در دنباله جستار، آوانوشتی برای آن داده شود و معنای آن بر پایه بافت و توضیحاتی که خواهد آمد روشن شود.

کوته‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

[	افتادگی آغاز سطر	< >	افزوده شده در متن
[	افتادگی پایان سطر	*	صورت یا معنی مبهم است
[]	کامل بازسازی شده	()	نیمه بازسازی شده

هدف از پژوهش حاضر این است که ریشه‌شناسی‌ای برای واژه‌ای با حرف نوشت nw^r که تا کنون آوانوشت و ریشه‌شناسی مشخصی برای آن داده نشده است، به دست داده شود.

پرسش‌های پژوهش

دراین باره می‌توان پرسش‌های زیر را مطرح ساخت:

- ۱- چه آوانوشتی را می‌توان برای این واژه پیشنهاد کرد؟
- ۲- معنای این واژه، بر پایه بافت به‌کاررفته در آن چیست؟
- ۳- چه ریشه/ریشه‌هایی را می‌توان برای آن در زبان‌های ایرانی در نظر گرفت؟
- ۴- آیا می‌توان واژه‌ای را در زبان پارسی دنباله آن دانست یا به‌گونه‌ای این واژه را بدان پیوند داد؟

بررسی واژه

I 22/ 'wd hw n'g ky 'ydr n' m
 23/ 'h'z 00 'z hym mry m' ny
 24/ 00 'wd hw ky 'bdr n' m tw
 25/ 'yy mry 'mw00 'wd hw ky

۱. متن M5815 قطعه‌ای است که رو و پشت آن به خط مانوی و به زبان پهلوی اشکانی است. هر رویه آن در چهار ستون نوشته شده است. آثاری از سربگ در هر دو رویه دیده می‌شود. هر رویه دارای ۳۱ سطر است که با خط ریز نوشته شده است. متن در سمت راست از سطر ۱/ تا ۱۸/ و ۲۶/ تا ۳۱/ ریختگی دارد. در سمت چپ نیز پایان سطرهای ۱۱/ تا ۱۹/ ریختگی دارد. البته ممکن است سطرهایی نیز بدون نوشته بوده است. به همین شیوه در پشت. متن برگرفته از: www.bbaw.de

- 26/ ˈkwndg n m ˈhrmyyn
 27/ ˈh zOθ ˈwm ˈyd wsn d
 28/ ˈymyn sxwn w xt ˈhynd
 29/[kw] wxd kyč kyč nw ˈr kryd
 30/[ˈwd ˈw] (h)w ˈbgwš ˈšnwyd
 31/[ˈb ˈw] š ˈn ky išnw ˈh

- II 1/ ˈwd w ˈwr kr ˈh ˈ[wd pd]
 2/wxybyh sr nhynj ˚ w

آوانوشت:

- I 22/ud hō nāg kē ēdar nām
 23/ahāz. az hēm mār Māni
 24/ud hō kē abdar nām tū
 25/ay mār Ammu. ud hō kē
 26/ākundag nām ahramēn
 27/ahāz. um ēd wasnāδ
 28/imīn saxwan wāxt ahēnd
 29/[kū] wxad kēž kēž nw ˈr karēd
 30/[ud ō] (h)ō abyōš išnawēd
 31/[abāw]šān kē išnawāh

- II 1/ud wāwar karāh u[d pad]
 2/wxēbēh sar nihēnjā ud [

ترجمه:

الف ۲۲/ و آن بی گناه <را> که این جا نام

۲۳/ بود. من هستم مار مانی

۲۴/ و آن <را> که آنجا نام <بود> تو

۲۵/ هستی مار آمو؛ و آن <را> که

۲۶/ آکوندگ نام <هست> اهریمن

۲۷/ بود؛ و من بدینرو

۲۸/ این سخنان <را> گفتم

۲۹/ [که] خود هرکس *نوار کند

۳۰/ [و به] (ā)ن گوش شنود

۳۱/ [پس] آن‌ها <را> که بشنود

ب ۱/ و باور کند و [به]

۲/ سر خود نگه دارد (ترجمه از نگارنده است).

در فرهنگ‌های پارسی می‌توان چنین واژه‌ای را یافت: «نواریدن (نواریدن) ناجاویده فرو بردن، بلع...» (دهخدا، ۱۳۴۶: ۸۲۳). «نواریدن با رای قرشت بر وزن تراویدن، ناجاویده، فرو بردن و عربان بلع گویند» (خلف تبریزی، ۱۳۴۴: ۱۱۴۸).

«نواریدن بر وزن طراویدن، به معنی ناجاویده، فرو بردن که به عربی بلع گویند. زراتشت بهرام گفته: گرفته به چنگال می‌داردش / بدان تا به یکباره بنواردش» (پادشاه، ۱۳۵۵: ۴۴۰۶). «نواریدن» ناجاویده فرو بردن باشد و آن را او باریدن نیز گویند...» (انجوشیرازی، ۱۳۵۱: ۲۱۱۰).

آندراس - هنینگ (Durkin-Meisterernst, 2004: 246) واژه nw^r را با فعل $kyrdn$ به گونه $nw^r kyrdn$ «شنیدن؟» آورده‌اند؛ چراکه این واژه در متن M5815 با همین فعل به گونه $nw^r kryd$ ($nw^r karēd$) «نوار کند» آمده است. kar گونه فعلی پهلوی اشکانی است برابر kun پارسی میانه «کردن» (Gilan, 1939: 57). گونه صرفی $kyrd$ فعل مضارع سوم شخص مفرد است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۱۷۴). بویس (Boyce, 1977: 63) آوانوشتی برایش نداده است. دورکین - مایسترارنست^۱ آوانوشت $nawār$ را با تردید برایش داده است. همان‌گونه که گفته شد در فرهنگ دهخدا ۷ مدخل واژگانی برایش آورده شده است:

«نوار (نَوار-نُوار) چیزی باشد پهن که آن را از ریسمان بافند و بار را بدان بر پشت چاروا محکم ببندند.
نوار (نَوار-نُوار) رمیدن، ترسیدن، آهوی رمنده.
نوار (نَوار-نُوار) رجوع به نَوار شود.
نوار (نَوار) پرنور، نورانی.
نوار (نَوار) جمع نواره، جمع نور به معنی شکوفه است.
نوار (نَوار) دهی است از دهستان درجزین بخش رزن همدان
نوار (نَوار) نام زوجه فرزددق شاعر است» (دهخدا، ۱۳۴۶: ۸۲۲).

پس هیچ‌یک از این واژه‌ها که در فرهنگ‌های پارسی آمده‌اند نمی‌توانند ریشه واژه nw^r را روشن سازند. در نگارش مانوی، واژه‌هایی که با ni آوانوشت می‌شوند در نگارش با y - یا بدون آن می‌توانند به کار روند، مانند nw

1. Durkin-Meisterernst

$/niwāz/$ z «نواختن»، $/niwāg/$ nw^ʔ k «نوا» nw^ʔ gyft پهلوی اشکانی $niwāg$ /nw^ʔ g «نوا»
(Durkin-Meisterernst, 2004: 246). بدین‌رو می‌توان nw^ʔ r را $niwār$ آوانوشت کرد: $/niwār\ karēd/$ nw^ʔ r

kryd «نوار کند»/ دربارهٔ معنی واژه بر پایهٔ بافت باید گفت این واژه می‌تواند معنای «گوش کردن، باورکردن، پذیرفتن،

درک کردن» داشته باشد:

نمایه دست نوشته:

M5815 v I_i



از دیدگاه ریشه‌شناختی می‌توان $\sqrt{par}$ را با پیشوند $ni-$ برای nw^ʔ r در نظر گرفت: $ni\sqrt{par}$. * ریشه $\sqrt{par}$ در فارسی میانه تورفانی به معنی «پر کردن، انباشتن» آمده است (Henning, 1933: 193). واژه‌های "انبار، اوباردن، اوباشتن" از همین ریشه است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۳۱ و ۳۳). $pār$ صورت بالاندهٔ ریشهٔ $\sqrt{par}$ است که با

پیشوند $ni-$ به معنی «پایین بردن، فرو بردن، بلعیدن» خواهد بود.

از سوی دیگر ریشه $\sqrt{par}$ در پهلوی اشکانی تورفانی «گذشت، عبورکردن و گذراندن» است (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۲۷۹۳). واژه $xwarniwār$ فارسی میانه تورفانی «مغرب، محل فرورفتن خورشید، محل گذر خورشید» نیز از همین ریشه است (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۲۷۹۳). واژه پهلوی اشکانی تورفانی $nwrđ$ ($niward$) «فرورفتن (خورشید)» نیز از همین ریشه و پیشوند است (Ghilain, 1939: 48).

بر پایه آنچه گذشت واژه nw^r ($niwār$) را می‌توان با نواریدن فارسی، «بلعیدن، فرو بردن» هم‌ریشه دانست: $ni\beta\bar{a}r > *ni-b\bar{a}r > -a + \sqrt{p\bar{a}r}$ یا با ریشه $\sqrt{par}$ «گذشتن، عبور دادن» که آن هم با پیشوند $ni-$ به کار رفته است (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۲۷۹۳).

فعل نواریدن در زردشت‌نامه معنی «بلعیدن» آمده است:

کشیدش به بیرون زرتشت را	که تا بر درد زو سر و پشت را
گرفته به چنگال می‌داردش	بدان تا به یکبار هوپاردش
دوان گردد آن دو فراز آمده	خروشان چو مردم گداز آمده

و در پانوش بیت‌ها توضیح داده: «بنوازدش، بنواردش» (بهرام پژدو، ۱۹۵۹: بیت ۸۶).

در فرهنگ‌های فارسی نیز می‌توان این واژه را یافت:

«نواریدن (نَواریدن) ناجاویده فرو بردن، بلع...» (دهخدا، ۱۳۴۶: ۸۲۳). «نواریدن با رای قرشت بر وزن تراویدن، ناجاویده فرو بردن و عربان بلع گویند» (خلف تبریزی، ۱۳۴۴: ۱۱۴۸). «نواریدن بر وزن طراویدن، به معنی ناجاویده، فرو بردن که به عربی بلع گویند. زراتشت بهرام گفته: گرفته به چنگال می‌داردش / بدان تا به یکباره بنواردش» (پادشاه، ۱۳۵۵: ۴۴۰۶). «نواریدن» ناجاویده فرو بردن باشد و آن را اوباریدن نیز گویند...» (انجوشیرازی، ۱۳۵۱: ۲۱۱۰).

بدین‌روی، nw^r را می‌توان بن مضارع فعل نواریدن «فرو بردن، بلعیدن» دانست. نوار بن مضارع است که با فعل کردن به کار رفته است. نمونه‌هایی از کاربرد بن مضارع اصلی و جعلی با فعل کردن در فارسی میانه/پهلوی اشکانی: $wāwar\ karāh$ در همین متن «باورکند/ خواهد کرد». $wābar$ نام است «باور» که خود در ساخت $wābarih-$ ماده جعلی واقع شده است (منصوری، ۱۳۸۴: ۴۳۵). $paydāg$ نام است «پیدا، آشکار» که در فعل $paydāgēnīdan$ به گونه ماده مضارع جعلی آمده است (Mackenzie, 1971: 67). $paydāg\ kunēd$ «آشکار کند. از دیدگاه معناشناختی، دگرگونی معنایی واژه $niwār$ از نوع بسط استعاری است. «در واقع سخن‌گویان، حوزه‌های

انتزاعی را بر اساس حوزه‌های عینی مفهوم‌سازی می‌کنند و این همان اصل بنیادی استعاره مفهومی در زبان‌شناسی شناختی است. «(نغزگوی کهن-راسخ مهند، ۱۳۹۱: ۱۲۱) و آن را می‌توان سنجید با فعل *ōgārdan* «برون انداختن، دفع کردن» این فعل از $\sqrt{gar}$ «فرو بردن، خیس کردن» آمده است که با پیشوند *-awa* به معنای «دفع کردن» است. در دگرگونی معنایی از «بیرون انداختن، دفع کردن» به «دور کردن، بیرون راندن، خارج کردن، زدودن، پاک کردن» که در متن پهلوی زادسپرم آمده است:

haštom druž az wāron brīdan rāy kēn az menišn ōgārdan ud az wināh tēz pētītīg būdan

«هشتم برای بریدن دروج از خاطر، کین را از اندیشه باید دفع کرد و از گناه زود توبه کرد» (منصوری، ۱۳۸۴: ۲۸۳). در اینجا دفع کردن به معنی «بیرون راندن، پاک کردن و زدودن» است. در نمونه دیگر در متن پهلوی دادستان دینیگ آمده است:

pursīd kū pad šab ī tasum wināh <ī> pad kirbag be ōgārēnd az bun šawēd

«پرسید که در شب چهارم <پس از مرگ> گناهی که با کرفه دفع کنند از بن شود (از میان رود)» (منصوری، ۱۳۸۴: ۲۸۳). در این جا فعل *ōgārdan* «دفع کردن» در پیوند با گناه به معنی «از میان بردن گناه، پاک کردن گناه» با نیکوکاری آمده است. بدین‌رو می‌توان واژه *niwār* «بلعیدن، فرو بردن» را به معنی «جذب کردن، هضم کردن، درک کردن و دریافتن» دانست و جمله را چنین معنی کرد:

...um ēd wasnāδ imīn saxwan wāxt ahēnd kū wxad kēz kēz niwār karēd ud ō hō abyōs išnawēd abāwšān kē išnawāh ud wāwar karāh ud pad wxēbēh sar nihēnjā....

«... و به وسیله من این سخنان بدین رو گفته شده است که خود هر کس دریافت کند/ درک کند/ جذب کند و به گوش شنود، پس آن‌ها را که خواهد شنید، باور خواهد کرد و به سر خویش خواهد سپرد...» (ترجمه نهایی متن مانوی بررسی شده در همین مقاله)

از سوی دیگر اگر این واژه از $\sqrt{par}$ پهلوی اشکانی تورفانی «گذشتن، عبور کردن» با پیشوند *-ni* به معنی «به پایین انباشتن و عبوردادن» گرفته شود باز هم با همین استدلال دگرگونی معنایی، می‌توان معنی را «جذب کردن، گرفتن، دریافت کردن» دانست.

افزون بر اینها ریشه اوستایی $\sqrt{var}$ ^۱ «زیدن، انتخاب کردن، باور کردن» در اوستا با پیشوند *-ni* به معنی «باور کردن، با ایمان پذیرفتن، گرویدن» (Bartholomae, 1961: 1362) آمده است «*niuuarāni*» (خواهم

۱. مانند $\sqrt{stā}$ «ایستادن» با پیشوند *-upa* -- *upa-stā* «یاری»، $\sqrt{uuak}$ «گفتن» با پیشوند فعلی *-paiti* ← *paiti-uuak* «پاسخ دهنده» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۳۰۴ و ۳۰۵).

گروید) از آنجاکه در ایرانی باستان، ریشه با پیشوند فعلی به‌عنوان اسم و صفت به کار می‌رود، می‌توان صورت *niwār* را بر همین اساس به معنی «باور، گروش» دانست. ا؛ چون این صورت و این معنی در پارسی میانه یا پهلوی اشکانی و نیز در پارسی ثبت نشده است، نمی‌توان هیچ شاهی در این باره ارائه کرد و واژه منحصر به فرد nw^r را به آن بازگرداند.

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه گفته شد می‌توان نتیجه‌گیری زیر را به دست داد:

۱- واژه nw^r را که در متن پهلوی اشکانی M5815, S.1 آمده است می‌توان به گونه *niwār* آوانوشت کرد؛ چراکه واژه >-

i<- میانی در پاره‌ای موارد نوشته نمی‌شود، مانند nw^k (*niwāg*).

۲- در زبان پارسی واژه نواریدن به معنی «بلعیدن، فرو بردن» آمده است. به دلیل نزدیکی پارسی میانه و پهلوی اشکانی به یکدیگر و تأثیرهایی که بر یکدیگر گذاشته‌اند، ریشه *par* در ایرانی باستان معنی «پر کردن» و ریشه $\sqrt{par}$ به معنی «عبورکردن» را می‌توان ریشه باستانی این واژه در هر دو زبان در نظر گرفت که با پیشوند *ni-* به کار رفته است:

$ni.\sqrt{par}$

۳- از آنجایی که واژه پارسی نواریدن «بلعیدن، فرو بردن» در فرهنگ‌ها آمده است و در شعری از زراتشت نامه نیز گونه بنوارد آن به کار رفته است، می‌توان بر پایه ریشه ایرانی باستان «انباردن، پر کردن» واژه nw^r پهلوی اشکانی را با آن پیوند داد و به گونه *niwār* آوانوشت کرد.

۴- بر پایه دگرگونی معنایی واژه‌هایی چون *ōgārdan* فارسی میانه «بیرون انداختن، دفع کردن» به «زدودن، پاک کردن» که در همان پارسی میانه روی داده است می‌توان چنین در نظر گرفت که $ni - \sqrt{par}$ به صورت بالانده **ni-pār* ($nwār/r-niβā<$) با معنی اصلی «پرکردن، انبار کردن، فرو بردن، بلعیدن» با معانی حاشیه‌ای «جذب کردن، درک کردن و فهمیدن» به کار رفته و بن مضارع آن با فعل کردن در این متن پهلوی اشکانی تورفانی به معنی «درک کردن و دریافت کردن» آمده است.

کتابنامه

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۳). ماده‌های فعل‌های فارسی دری. تهران: ققنوس.
- _____ (۱۳۸۱). دستور تاریخی زبان فارسی. چاپ سوم. تهران: سمت.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). الفهرست. تهران: انتشارات اساطیر.
- انجوشیرازی، میر جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن. (۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری. ویراسته رحیم عقیقی. چاپخانه دانشگاه مشهد.
- بهرام پژو، زراتشت. (۱۹۵۹). زراتشت نامه. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.
- پادشاه، محمد. (۱۳۵۵). فرهنگ آندراج. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. ج هفتم. تهران: کتابفروشی خیام.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. چاپ سوم. تهران: سخن.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب. (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
- حسن‌دوست، محمد. (۱۳۹۵). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. ج چهارم. (ک-ی). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۴۴). فرهنگ فارسی برهان قاطع. به قلم محمد عباسی. چاپ دوم. تهران: موسسه مطبوعاتی فریدون علمی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۶). لغت‌نامه. سازمان لغت‌نامه.
- رضایی باغ‌بیدی، حسن. (۱۳۸۱). دستور زبان پارسی (پهلوی اشکانی). تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- زوندرمان، ورنر. (۱۳۸۱). «پیشینه، جایگاه و برنامه‌های پژوهش‌های تورفانی». ترجمه آرمان بختیاری. نامه فرهنگستان. دوره پنجم. شماره سوم. صص ۱۷۵-۱۸۶.
- منصوری، یدالله. (۱۳۸۴). بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی). تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نغزگوی کهن، مهرداد؛ راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۱). «دستوری‌شدگی و بسط استعاری». پژوهش‌های زبانی. دوره ۳. شماره ۱. صص ۱۱۷-۱۳۴.
- Bartholomae, Ch. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*, 2. Auflage, Berlin: Walter de Gruyter and CO.
- Boyce, M. (1975). A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian, Acta Iranica 9. Tehran, Leiden.
- _____ (1977). *A Word -List of Manichaean Persian and Parthian*, Acta Iranica 9a. Tehran, Leiden.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). Dictionary of Manichaean Texts, Vol.III. Part I, Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian, Turnhout: Belgium.

- Ghilain, A. (1939). Essai sur la langue parthe. Son syst'eme verbal d'apre's des textes maniche' ens du Turkestan Oriental, Lonvain.
- Henning. W. B. (1933). "Das verbum des Mittelpersischen der Turfanfragmente" ZII, 9, 158-253. [=sel. papers I, 65-160].
- Mackenzie, D.N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press.